

# آشنایی با انواع هویت

## «من» «من»

## چگونه شکل

## می‌گیرد؟

دکتر احمد غضنفری

درآمد

وقتی از هویت حرف می‌زنیم، ظاهراً از یک مفهوم نام می‌بریم، اما کمی که جلو برویم، می‌بینیم که این مفهوم چه ابعاد متنوع و گسترده‌ای دارد. در واقع، «من» هر کدام از ما طی مراحل شکل می‌گیرد و می‌شود گفت که در هر مرحله و با هر نقشی که می‌پذیریم، یک «من» از «من»‌های هر کدام از ما جلوه‌گر می‌شود. «من» پیش خودم یک بخش از هویت خود را می‌یابم، در میان جمع بخش دیگری را، با ویژگی‌های جنسیتی باز هم بخش دیگری، و با مشخصات قومی و ملی یا باورهای دینی و... بخش‌های دیگر خودم را کشف می‌کنم. در این جا به‌طور مختصر، به انواع هویت‌ها پرداخته می‌شود؛ از هویت فردی تا هویت ملی، دینی، سیاسی و حتی هویت منفی و انحرافی.

### یگانگی خود یا هویت فردی

اریکسون، هویت فردی را به‌صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند. یعنی با وجود تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت فرد از خود همواره مشابه است. علاوه بر این، اریکسون می‌گوید: «این احساس که ما چه کسی هستیم، باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند، نسبتاً هم‌خوان باشد.» این موضوع به اعتقاد اریکسون، بر اهمیت رابطه‌ی بین خود و جامعه تأکید دارد. **کارول گاردو و جانیس بوهن** (۱۹۷۱، به نقل از: بیابانگرد، ۱۳۷۸) خاطرنشان می‌سازند که حداقل چهار مسئله‌ی اساسی در احساس فردی هویت وجود دارد:

۱. **انسانی:** این احساس که فرد یک موجود انسانی است.
۲. **جنسیت:** احساس فرد از مردانگی یا زنانگی.
۳. **فردیت:** این شناخت که فردی خاص و بی‌نظیر است.
۴. **پایداری:** این آگاهی که فرد همان شخصی است که روز قبل بوده است.

از این‌رو، رشد احساس هویت فردی مستلزم آن است که فرد دریابد، «او دارای هویت بی‌نظیر و واحدی است، زن و یا مردی است جدای از دیگران و به‌طور کلی شبیه هیچ فرد دیگری نیست.» مرحله‌ی اول رشد هویت فردی در اوایل کودکی اتفاق می‌افتد. در این مرحله، کودک خود را کشف می‌کند و از مادر جدا می‌سازد. مخالفت‌های کودک با مادر و خودنمایی‌های او، برای همین جداسازی است. در دوره‌ی نوجوانی، دومین مرحله‌ی رشد هویت فردی پیش می‌آید. تغییرات بلوغ، نوجوان را متوجه بدن و حالات شخصی خودش می‌کند. او می‌خواهد شخصیتی متمایز از دیگران داشته باشد و خود را از ساپربین جدا سازد. اگر نوجوان بتواند، تصویر واقع‌بینانه‌ای از خود داشته باشد، به نقاط قوت و ضعف خود پی‌ببرد و متوجه محدودیت‌های خود بشود، می‌تواند با دیگران ارتباط مناسبی داشته باشد و هویت فردی موفق‌تری کسب کند. برخی از نوجوانان در این مرحله به مخالفت با والدین و مراجع قدرت برمی‌خیزند. این مخالفت‌ها بیش‌تر در جهت شکل‌گیری هویت است. باید به صورت درست در جهت هویت‌یابی آنان کانالیزه شود و به آنان، روش درست برخورد و تعامل گروهی آموزش داده شود.

### نقشی که در میان جمع دارم

هویت اجتماعی، جایگاه فرد را بین جمع مشخص می‌کند. کسب نقش رضایت‌بخش در گروه، یکی از نشانه‌های رشد هویت اجتماعی است. نوجوانان به داشتن هویت مناسب اجتماعی اهمیت می‌دهند. آنان می‌خواهند، بین جمع و دوستان خود پذیرفته شوند و مورد قبول آنان باشند. هرگونه انزوا و کناره‌گیری می‌تواند، نشانه‌ای از عدم رشد هویت اجتماعی در نوجوان باشد [احمدی، ۱۳۸۰].

**باربارا و فیلیپ نیومن** (۱۹۶۷، به نقل از: بیابانگرد، ۱۳۷۸) معتقدند، پیش از آن‌که هویت شخصی واحدی شکل بگیرد، نوجوانان ابتدا باید به یک احساس هویت گروهی با هم‌سالان خود دست یابند. در زمینه‌ی هویت گروهی و شخصی گفته می‌شود که نقش‌پذیری (توانایی درک دیگر افراد و جهان معمولاً از دیدگاه دیگران) عامل مهمی در شکل‌گیری هویت است [انرایت<sup>۱</sup> و دیمت<sup>۲</sup>، ۱۹۷۹، به نقل از همان منبع].



دستیابی به هویت، به فرد امکان می‌دهد تا هم احساس تعلق داشتن به گروه‌های اجتماعی و هم احساس فردیت را تجربه کند. به‌منظور تجربه‌ی این دو احساس، نوجوان باید دارای نقش‌پذیری اجتماعی باشد و به نظر می‌رسد، این به‌نوبه‌ی خود مستلزم رشد تفکر عملیاتی صوری است. به‌نظر **کرنایاخ** (۱۳۵۱، به نقل از: احمدی، ۱۳۸۰)، سه گروه در رشد هویت اجتماعی نوجوان مؤثر است:

الف) اشخاص صاحب نفوذ و قدرتمندی که پیروی از آنان برای نوجوان ارزشمند است.

ب) اشخاصی که نوجوان با آنان همانندسازی می‌کند و الگوی او هستند.

ج) دوستانی که واکنش مساعد آنان برای نوجوان، نوعی پاداش محسوب می‌شود و برای او اهمیت دارند.

**اگر نوجوان بتواند، تصویر واقع‌بینانه‌ای از خود داشته باشد، به نقاط قوت و ضعف خود پی ببرد و متوجه محدودیت‌های خود بشود، می‌تواند با دیگران از تباط مناسبی داشته باشد و هویت فردی موفق‌تری کسب کند**

### فراگیری رفتارهای متناسب با جنسیت

هویت جنسی فرایندی است که در آن، فرد الگوهای رفتارهای مناسب با جنسیت خود را فرا می‌گیرد. در فرایند شکل‌گیری هویت جنسی، والدین، گروه‌های هم‌سال، مربیان، کتاب و رسانه‌های جمعی تأثیر دارند. هویت جنسی یاد گرفتن مطالبی است که براساس آن‌ها، فرد بتواند نقش مردانه یا زنانه‌ی خود را ایفا کند. اغلب نوجوانان در کسب هویت جنسی خود با اشکال روبه‌رو می‌شوند؛ چون در این زمینه کمتر با والدین صحبت می‌کنند و غالباً نوجوان راهنمایی نمی‌شود. اگر والدین نقش خود را به‌عنوان مرد و زن، خوب انجام دهند و الگوی مناسبی در این زمینه یافته باشند، فرزندان هویت جنسی خود را به خوبی شکل می‌دهند. متأسفانه، برخی از والدین نقش پدرانه و مادرانه‌ی خود را به خوبی انجام نمی‌دهند و عملاً الگوی مناسبی برای فرزندان نیستند. برای پسران، پذیرش نقش جنسی ساده‌تر است و برای انجام وظایف مرتبط با نقش خود تشویق می‌شوند. ولی با دختران گفت‌وگویی درباره‌ی نقش جنسی آن‌ها نمی‌شود و گویا خود آنان باید بدانند که چه بکنند.

سکوت در این زمینه نوجوان را به سمت دوستان، کتاب، فیلم و سایر منابع می‌کشاند و ممکن است باعث اشکالاتی در هویت‌یابی جنسی آنان بشود. والدین باید مهر سکوت را بشکنند و درباره‌ی تغییرات بدنی مرتبط با جنسیت، با نوجوان خود صحبت کنند. چه کسی بهتر از والدین می‌تواند، فرزند خود را در این زمینه راهنمایی کند و او را از تغییرات مرتبط با جنسیت خود آگاه سازد؟ [احمدی، ۱۳۸۰]

### تصویری روشن از هدف‌ها و استعدادها

هویت شغلی به معنای داشتن تصویری روشن و یکپارچه از هدف‌ها، علاقه‌ها و استعدادهای خویش است که براساس آن فرد بتواند، شغل مناسبی انتخاب کند. به نظر **هارتز** (۱۹۷۹)، به نقل از: احمدی، (۱۳۸۰)، افرادی که آگاهی بیش‌تری از علاقه‌ها و استعدادهای خود داشته باشند، در انتخاب شغل و تصمیم‌گیری برای آن مشکل کمتری دارند.

انتخاب شغل و آمادگی برای انتخاب آن، یکی از مهم‌ترین تکالیف

دستیابی به هویت، به فرد امکان می‌دهد تا هم احساس تعلق داشتن به گروه‌های اجتماعی و هم احساس فردیت را تجربه کند. به‌منظور تجربه‌ی این دو احساس، نوجوان باید دارای نقش‌پذیری اجتماعی باشد

مطالعات فرسنگی  
علوم انسانی



مربوط به دوران رشد است که نوجوانان در جوامع مختلف، به‌ویژه در جوامع صنعتی، با آن مواجه می‌شوند. گرچه این مسئله همیشه برای پسران مصداق داشته، اما شواهدی وجود دارد که در سال‌های اخیر برای دختران نیز اهمیت پیدا کرده است. نوجوانان به‌طور معمول از این نکته آگاه‌اند که انتخاب‌های شغلی آن‌ها بر بسیاری از جنبه‌های زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد و از این‌رو، به تصمیمات شغلی رضایت‌بخش و درست اهمیت می‌دهند. ترکیب فشارهای بیرونی (تأمین هزینه‌های زندگی) و درونی (استقلال)، باعث ایجاد این انگیزه در نوجوانان می‌شود که برای مسئله‌ی انتخاب شغل، اهمیت خاصی قائل شوند. طبق نظر **کینزبرگ** (۱۹۷۲)، به نقل از: بیابانگرد، (۱۳۷۸)، انتخاب شغل در نوجوانان از سه مرحله‌ی مهم گذر می‌کند:

**دوره‌ی خیالی.** با انتخاب‌هایی مشخص می‌شود که بر تمایلات شخصی مبتنی است، بدون این‌که به ملاحظات واقع‌گرایانه‌ای چون توانایی، آموزش و فرصت‌های شغلی توجه شود. با وجود این، چنین خیال‌پردازی‌هایی یک جنبه‌ی مهم فرایند رشد شغلی را تشکیل می‌دهند. چنین تفکری مشخصه‌ی کودکان تقریباً ۱۱ ساله است.

در **دوره‌ی آزمایشی**، سنین ۱۱ تا ۱۸، نوجوانان به‌گونه‌ی موفقیت‌آمیزی، این ملاحظات واقع‌گرایانه را در تفکر خود مدنظر قرار می‌دهند: علاقه‌های شخصی (۱۱ تا ۱۲ سالگی)، توانایی‌ها و تحصیلات (۱۳ تا ۱۴ سالگی)، و ارزش‌های شخصی و اهداف زندگی (۱۵ تا ۱۶ سالگی). در ۱۷ تا ۱۸ سالگی، تحت‌تأثیر این فکر که بعد از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان چه کار خواهند کرد، فشاری را احساس می‌کنند (به دانشگاه بروند، خانه را ترک کنند، کاری را شروع کنند).

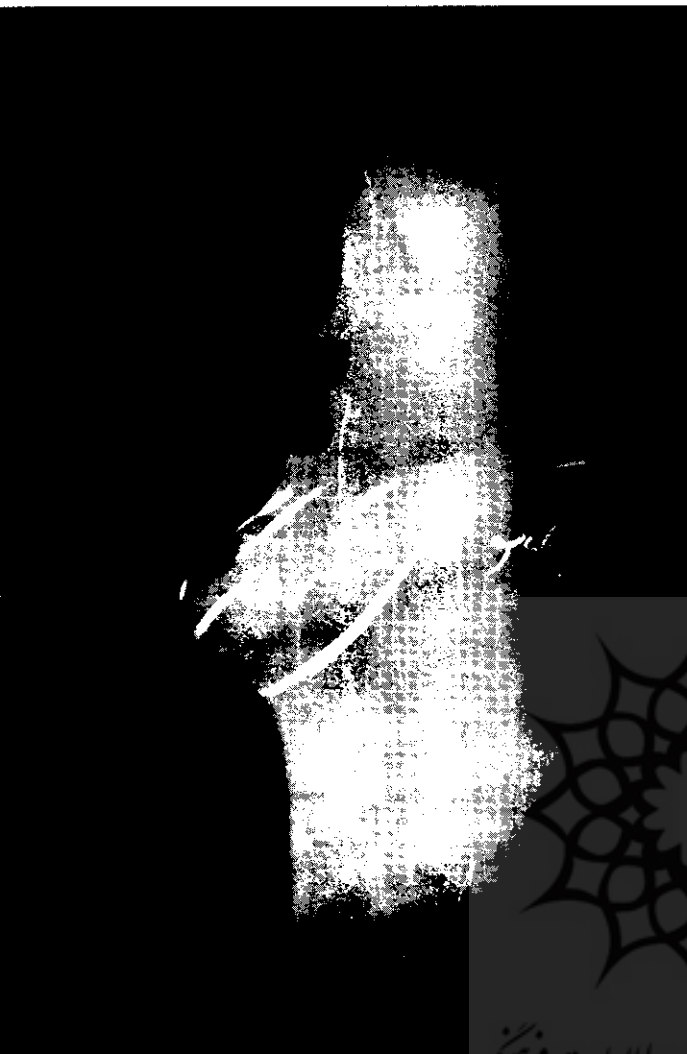
در **دوره‌ی واقع‌گرایی** (آغاز آن تقریباً از ۱۸ سالگی است)، نوجوان از طریق تجربیات کاری یا آموزشی و کارورزی بیوسته، به شناخت و آزمون مشاغل گوناگون می‌پردازد. شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرصت‌های شغلی واقعی، در کنار توانایی‌های شخصی، علاقه‌ها و انگیزه‌ها، عوامل مهمی در تصمیم‌گیری‌های شغلی هستند.

نظریه‌ی کینزبرگ بر مشاهدات او از پسران مبتنی است. اما او معتقد است، دو مرحله‌ی اول در مورد دختران نیز صادق است. با وجود این، مرحله‌ی واقع‌گرایی در دختران به دلیل ازدواج و بچه‌داری که از امور مهم در زندگی آن‌هاست، متفاوت و پیچیده‌تر است.

### فلسفه‌ای برای زندگی

**استرانگ**<sup>۲</sup> (۱۹۵۷)، به نقل از: احمدی، (۱۳۸۰)، رشد باورهای مذهبی را جزئی از احساس ارزشمندی فرد می‌داند. نوجوانان دنبال نوعی فلسفه برای زندگی خود هستند و آن را در مذهب می‌یابند.

یک تکلیف مهم مربوط به دوران رشد در دوران نوجوانی، دستیابی به فلسفه‌ی زندگی یا اصولی متعلق به یک مکتب است که از طریق آن، تصمیمات مهم زندگی گرفته می‌شوند. اریکسون، رسینن به شناخت فلسفی از زندگی (تعهد مکتبی) را مهم‌ترین جنبه‌ی



شکل‌گیری هویت می‌داند، چرا که تعهد مکتبی چارچوبی را برای نوجوانان فراهم می‌سازد تا از طریق آن، جنبه‌های متفاوت هویت با هم متعهد و منسجم شوند.

مطالعات نشان داده‌اند که حاکمیت مذهب در جامعه به رفع بحران هویت کمک می‌کند. در جوامعی که مذهب وجود ندارد، نوجوانان بحران شدیدتری را تجربه می‌کنند. چرا که مذهب به مهم‌ترین سؤالات نوجوانان، یعنی از کجا آمده‌ام؟ چه کسی هستیم؟ به کجا خواهیم رفت؟ و چه کار باید بکنم؟ پاسخ می‌دهد.

گاهی نوجوان در بازمینی باورهای مذهبی خود به افراط یا تفریط کشانده می‌شود. وجود الگوهای مناسب مذهبی به هویت مذهبی نوجوان کمک می‌کند. نوجوانان پاسخ‌های روشنی را برای سؤال‌های دینی خود می‌طلبند و می‌خواهند باورهای خود را ارزیابی کنند. بی‌توجهی به زمینه‌های دینی باعث می‌شود که نوجوان در هویت‌یابی خود در این زمینه دچار تردید و

### نوجوانان به‌طور معمول

**از این نکته آگاه‌اند که انتخاب‌های شغلی آن‌ها بر بسیاری از جنبه‌های زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد و از این‌رو، به تصمیمات شغلی رضایت‌بخش و درست اهمیت می‌دهند**

### هویت مثبت

نوجوانی که به جست‌وجو و کاوشگری در نقش‌ها پرداخته، نقش‌های مناسب خود را برگزیده و به آن‌ها تعهد پیدا کرده است، دارای هویت مثبت است؛ زیرا نوجوان به یک هویت منسجم و یکپارچه دست یافته است. نوجوانی که دارای هویت مثبت است، با الگوهای مثبت و ارزش‌های اجتماعی همانندسازی می‌کند و والدین و جامعه از او حمایت می‌کنند.

### هویت منفی

گاه اتفاق می‌افتد که نوجوان نمی‌تواند هویت منسجم و یکپارچه پیدا کند، نمی‌تواند به موقعیت شغلی، مسلکی یا غیره دست یابد و نمی‌تواند به اجتماع وارد شود. این همان پدیده‌ای است که اریکسون آن را سردرگمی نقش‌ها می‌نامد. از ویژگی‌های هویت منفی می‌توان به عزت‌نفس ضعیف و نقش اجتماعی بی‌ارزش اشاره کرد. شکل‌گیری هویت منفی برای نوجوان یک دام تشکیل می‌دهد و به عقیده‌ی برخی از روان‌شناسان و روان‌پزشکان، زمینه را برای برخی از اختلالات روانی، از جمله بی‌اشتهایی روانی یا پراشتهایی فراهم می‌آورد [زندن، ۱۳۷۰].

### هویت انحرافی

هویت انحرافی<sup>۴</sup> به هویتی اشاره دارد که به‌طور کلی با حاکمیت ارزش‌های والدین یا جامعه متضاد است؛ یعنی پذیرش شیوه‌ای از زندگی که با ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی تضاد دارد. هویت منفی اغلب در شرایطی به‌وجود می‌آید که والدین یا جامعه، از موقعیت‌های انفرادی شخص چندان حمایت نمی‌کنند. در این حال، اغلب از برجسب‌هایی چون بزهدار، یا بی‌عرضه برای شناساندن و توصیف این افراد استفاده می‌شود. این نوجوانان، بدون توجه به الگوهای مثبت و ارزش‌های اجتماعی، با الگوهای منفی همانندسازی می‌کنند و به گونه‌ای می‌اندیشند و رفتار می‌کنند که برای هویت منفی خود تأیید و اعتبار به‌دست آورند. **مارسیا** چنین افرادی را به‌عنوان موارد ویژه‌ای از وضعیت محرومیت از هویت (هویت زودرس) طبقه‌بندی کرده است. از نظر روان‌شناختی، این افراد چون از طریق صحیح و مورد پسند جامعه نتوانسته‌اند خود را بشناسند و ابراز کنند، برای کسب هویت منفی یا انحرافی می‌کوشند تا از این طریق، توجه همگان را به خود معطوف سازند [بیابانگرد، ۱۳۷۶].

### نوجوانان دنبال نوعی فلسفه برای زندگی خود هستند و آن را در مذهب می‌یابند

1. Enright
2. Dimett
3. Hurrzt
4. Strong
5. Political Identity
6. National Identity
7. Deviant Identity

\* به دلیل کمبود جا نتوانستیم فهرست منابع را در این جا درج کنیم. این فهرست در دفتر مجله محفوظ است.

### هویت سیاسی<sup>۵</sup> و همانندسازی با چهره‌های اقتدار

همان‌طور که نوجوانان بالغ‌تر می‌شوند، توانایی تشکیل یک ایدئولوژی سیاسی منسجم و منطقی (یعنی یک دیدگاه اخلاقی در این‌باره که جامعه چه‌طور است و چه‌طور باید باشد) در آن‌ها بیش‌تر می‌شود [آدلسون، ۱۳۷۱، به نقل از: بیابانگرد، ۱۳۷۸]. **آدلسون** خاطر نشان می‌سازد که ایجاد دیدگاه سیاسی جامعی، به‌طور معمول تا اواخر سال‌های دبیرستان حاصل نمی‌شود. علاوه بر این او می‌گوید، تاکنون میزان دست‌یابی به یک ایدئولوژی سیاسی منسجم در نوجوانان به درستی ارزیابی نشده است و در عمل، تعداد نسبتاً کمی از آن‌ها در حصول چنین دیدگاهی موفق می‌شوند.

بین رشد اندیشه‌ی سیاسی و مراحل رشدشناختی پیاژه و مراحل رشد اخلاقی کلبرگ نوعی همسانی وجود دارد. ژوزف آدلسون، روند رشد تفکر سیاسی نوجوانان را چنین توصیف می‌کند:

«تفکر نوجوانان کم‌سن‌تر در مورد مسائل سیاسی، بیش از آن که انتزاعی باشد، عینی است. تفکر آن‌ها ماهیتی شخصی‌شده دارد و دیدگاهشان بیش‌تر از جوانان، دارای جنبه‌ی تنبیهی و اقتدارطلبی است. از سن ۱۵ تا ۱۸ سالگی، تفکر سیاسی انتزاعی‌تر می‌شود و کمتر حالت قدرت‌طلبی دارد. این تغییر به این معناست که افراد در اواخر نوجوانی، بیش‌تر از اوایل آن می‌توانند راه‌حل‌های انسانی‌تری را برای مسائل سیاسی و اجتماعی بیان کنند.

دست‌یابی به یک هویت سیاسی منسجم در نوجوانان، یکی از تکالیف رشدی دیگر در دوره‌ی نوجوانی است. بنابراین، همانندسازی با چهره‌های مقتدر و کاوشگری در این زمینه، به تعهد به یک ایدئولوژی سیاسی منجر خواهد شد.

### ویژگی‌هایی که یک ملت به افرادش می‌دهد

هر ملتی دارای خصوصیات و ویژگی‌های منحصربه‌فرد است. ملت‌ها ویژگی‌های خود را به افراد جامعه‌ی خود منتقل می‌کنند. افراد جامعه تمایل دارند، وابستگی قومی را حفظ کنند و از آداب و رسوم قومی خود پیروی کنند. داشتن «هویت ملی»<sup>۶</sup> به وحدت ملی و همبستگی همگانی کمک می‌کند. بریدن از هویت ملی به احساس بی‌ریشگی می‌انجامد. جوامعی که مهاجرنشین هستند، به‌دلیل نداشتن هویت ملی، ابتدا دچار آشفتگی می‌شوند. پس از گذشت قرن‌ها، افراد مهاجر به آب و خاک خاصی احساس تعلق پیدا می‌کنند و برای خود هویت ملی جدیدی را پدید می‌آورند. در این صورت، در انتقال آن و برای حفظ و حراست از آن می‌کوشند. هویت ملی کشورهایی مانند ایران که قدمت زیادی دارند، ریشه‌دارتر و دارای کشش بیش‌تری است. کمک به نوجوان برای کسب هویت ملی، او را به تعلق بیش‌تر به دیگران و احساس همکاری و تشریک مساعی می‌کشانند.

### کمک به نوجوان برای کسب هویت ملی، او را به تعلق بیش‌تر به دیگران و احساس همکاری و تشریک مساعی می‌کشانند